



مبانی تربیتی دینی و اعتقادی فرزندان از منظر قرآن کریم

آمنه محمودی

چکیده

هدف قرآن از تربیت اخلاقی رسیدن به توحید در زمینه اعتقاد و عمل است و تربیت اخلاقی باید به عبودیت الهی بینجامد. بنابراین برای شناسایی مبانی تربیت اخلاقی در قرآن، جهت رشد و جهت دهی به شخصیت انسان، باید ساحت های گوناگون تربیتی از جمله: تکریم و محبت به فرزندان و توجه به عواطف آنها، اعتقادات و ایمان فرزندان و... را مورد بررسی خود قرار بدهیم تا بتوانیم با ایجاد زمینه های رشد و با الگوی مناسب زمینه ساز شکوفایی استعداد و پروراندن شخصیت انسان شویم. پس موضوع و هدف از تربیت اخلاقی نفس انسان، پرورش استعدادهای درونی فرد، برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، فرزندان، مبانی تربیتی، جهت دهی اعتقادی.

مقدمه

عمر انسان محدود است و انسان نمیتواند با روش آزمون و خطا برنامه زندگی خویش را پیدا کند اگر انسان بدون الگویی جامع به زندگی خود ادامه دهد ممکن است در زندگی خود دچار مشکلاتی شود که او را از رسیدن به هدف اصلی آفرینش دور سازد و چون خداوند خالق انسان است پس بهترین مدبر و مربی انسان نیز خداست و انسان برای راه یابی به بهترین برنامه و الگوی زندگی خود باید به قرآن که سخن خداست مراجعه کرده و برنامه و الگوی زندگی خود را با توجه به آیات شریف قرآن استخراج نماید لذا سعی شده است در این مقاله به مهمترین عوامل تربیت انسان جهت رسیدن به بهترین الگوی قرآنی تربیت پرداخته شود.

بنیاد اولیه تربیت قرآنی را می توان بر سه اصل اساسی دین « توحید، معاد، نبوت » بیان کرد. پس جهان‌شناسی اسلامی، دقیقاً ضد جهان‌بینی ماتریالیستی است. جهان‌بینی ماتریالیستی آدمی را در اتاق تاریک طبیعت و ماده، زندانی می‌کند و تربیت را نیز بر همین اساس برنامه ریزی می‌کند. اما جهان‌بینی اسلامی، بر پایه توحید و مبدأ خلقت است. یعنی اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه به وجود آمده و اساس آن خیر و رحمت و رسانیدن موجودات به کمال درخور آنهاست. محور این جهان‌بینی توحید ذات مقدس الهی است که جهان از او آغاز و به او پایان می‌یابد. در این نوع نگرش، انسان در بین آفریده‌های هستی از کرامت و شرافت خاصی برخوردار است و جهان، دانشگاهی است که انسان تربیت می‌کند و خداوند نیز آدمی را بر طبق نیت و کوشش درستی که انجام می‌دهد مزد می‌دهد. و این حرکت تکاملی تا پایان هستی ادامه می‌یابد. کتاب مقدس قرآن بهترین منبع برای تربیت است که در ذیل به مهمترین مباحث اخلاقی از منظر قرآن پرداخته می‌شود. (خبرگزاری بین‌المللی قرآن)

مهمترین مبانی تربیت اخلاقی و معنوی از منظر قرآن جهت تعالی شخصیت اخلاقی و معنوی انسان می توان اینگونه بیان داشت:

۱. مهر و محبت

کودکی که بیش از حد مورد توجه والدینش قرار گیرد در بزرگی فرد مستقلی نخواهد شد و در رشد عقلانی، اجتماعی و معنوی او خلل ایجاد می شود. از طرف دیگر اگر کودک در دوران رشد خود با تنبیه های متوالی مواجه شود، خلق و خوی او رو به پستی و حقارت می کشد و در این حال انزوای شدید پیدا می کند، و به خود اعتمادی ندارد و حالت حقارت و کهنتری را می پذیرد. اگر اولیای کودک، به فرزندشان محبت نکنند و اختیار انجام کارهای روزمره را از وی سلب نمایند، آن کودک در آینده تحت تأثیر افعال دیگران قرار خواهد گرفت و توانایی انتخاب مسیر درست زندگی و توانایی مقاومت، در برابر افعال قبیح نخواهد داشت و بالعکس، اگر اولیای کودک، او را آزاد گذارند، کودک خودرأی و خودکامه خواهد شد و اگر چنانچه بیش از حد به او محبت کنند به صورت فردی متکی به دیگران بار خواهد آمد و از اینکه عملی را بصورت مستق انجام دهد می هراسد و کم رو می آید. پس بنابراین ارتباط عاطفی با فرزند موجب می شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران های زندگی بداند. خداوند متعال در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران / ۱۵۹) (پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند).

از نکات بسیار مهمی که والدین باید در این زمینه به آن توجه داشته باشند این است که از زیاده روی و افراط در محبت بپرهیزند که این خود نیز مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. سعدی شیرازی در این باره می نویسد: «خشم بیش از حد گرفتن، وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند:

«درشتی و نرمی به هم در به است چو فاصد که جراح و مرهم نه است

درشتی نگیرد خردمند پیش نه سستی که نازل کند قدر خویش

نه مر خویشان را فزونی نهد نه یکباره تن در مذلت دهد» (گلستان/ ص ۱۷۳)

محبت زیاد و بی جا، موجب ناز پروردگی، لوس بار آمدن و از خود راضی شدن کودک می شود و به سبب وابستگی شدید کودک به والدین، فرزندان را از کسب استقلال باز می دارد و در حقیقت زمینه ضعف و سستی کودک و عدم شکیبایی و پایداری او در مقابل مشکلات را فراهم می کند. سعدی در مورد رعایت اعتدال در تربیت می فرماید:

«نباید که بسیار بازی کنی که مر قیمت خویش را بشکنی

وگر تند باشی به یک بار و تیز جهان از تو گیرند راه گریز

نه کوتاه دستی به بیچاره گی نه زجر و تناول به یک بارگی» (بوستان/ ص ۱۵۵)

۲. جهت دهی به اعتقادات دینی فرزندان

موضوع هدایت اعتقادی فرزندان از مسائل تربیتی مهمی است که در آیات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است نظیر: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/ ۱۳) «(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می کرد- گفت: پسر، چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» در این آیه و چند آیه بعد از آن، سخن از لقمان حکیم و بخشی از اندرزهای مهم این رد الهی به فرزندش در زمینه توحید و مبارزه با شرک و نیز بیان مسائل مهم اخلاقی است. و همچنین نظیر آیه: «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره/ ۱۳۲) «(شما کی و کجا حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب در رسید و به فرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من که را می پرستید؟ گفتند: خدای تو را و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اویم) مراد از «فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» این است که همیشه دیندار و فرمانبردار خدا باشید؛ و زمینه‌ی حسن عاقبت خود و فرزندانمان را از طریق عقیده و عمل

إِنَّا إِذَا لَخَسِرُون» (یوسف / ۱۴) گفتند: پدر، چرا درباره یوسف از ما ایمن نیستی؟ با این که ما خیرخواه او هستیم. او را فردا همراه ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما نگهبان اویم. پدر گفت من از دوری او غمگین می‌شوم و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید. گفتند: اگر او را گرگ بخورد با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، ما از زیانکاران خواهیم بود)

معلوم می‌شود مطابق منطق برادران آن حضرت علیه السلام، امین و خیرخواه کودک، آن کسی است که کودک را به صحرا گردی، کوهنوردی، بازی و مسابقه ببرد و هر لحظه بر نشاط او بیفزاید و مانع افسردگی و ملالش گردد. قرآن کریم در آیه دیگری هم به بازی و مسابقه فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام با یکدیگر تصریح می‌کند: «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ» (یوسف / ۱۷) گفتند: ای پدر، قصه این است که ما به صحرا رفته و سرگرم مسابقه بودیم و یوسف را بر سر متاع خود گذاردیم و او را گرگ طعمه خود ساخت) «شعاری نژاد» معتقد است که «بازی به کودک کمک می‌کند که نیروهای ذهنی خود را به کار اندازد، محیط اطرافش را از جهات گوناگون بشناسد، توانایی هایش را عملاً بشناسد و بر تجارب خود بیفزاید. همچنین ضمن بازی یاد می‌گیرد که میان واقعیت و خیال فرق بگذارد». (شعاری نژاد، ۱۳۷۵ش، ص ۱۹۵) «مهجور» درباره گرایش کودک به نوع بازی های خاصی که از خود رغبت بیشتری نشان می‌دهد می‌نویسد: «میتوان گفت محتوای بازی انتخابی کودکان، اغلب انعکاسی از خواست درونی آنهاست. کودک از طریق بازی مهر و علاقه، خشم و کین، تنش ها، ناکامی ها، نا امنی ها، ترس ها، آشفتگی ها و سردرگمی های خود را به نمایش می‌گذارد یا آنها را دور می‌افکند و یا این که آنها را کنترل میکند. به هر حال، از این طریق به نوعی آرامش عاطفی دست مییابد. با کسب آرامش عاطفی او قادر به تصمیم گیری منطقی تر میگردد» (مهجور، ۱۳۶۶ش، ص ۸۲) پس تمامی بازی ها به نحوی در رشد شخصیت اخلاقی و معنوی کودک تأثیر دارد. در این میان بازی های جمعی در رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودک اثر سازنده ای دارد. یکی از هدف ها و بازده های بازی ایجاد حس دوستی و معاشرت با دیگران است. یعنی در حقیقت بازی سازنده شخصیت درونی انسان است که تجلی گاه آن در روابط اجتماعی کودکان است. چنانچه «بهشتی» معتقد است: «آثار عزت نفس، کرامت، غیرت و شرافتمندی کودکان در دوران جوانی و پیری آنها متجلی میشود و این امور، متأثر

از بازیها، محیط خانواده، اجتماع، تلقینها و معاشرتهاست، چه بسا نقش بازیها از بقیه بیشتر باشد؛ چرا که پذیرش و تأثر کودک، از راه بازی بسیار زیاد است». (بهشتی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۷)

۷. صیانت از خود و خانواده از آتش

انسان در مقابل همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین‌تری نسبت به دیگران دارد، و فرزندی فقط توجه به تغذیه جسم نمی باشد بلکه شامل: الف- کوشش در تعلیم و تربیت ب- بازداشتن فرزندان از گناه ج- دعوت به نیکی ها نیز است. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶) (ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند!) «شیخ طبرسی» می نویسد: «چون خداوند سبحان همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را تأدیب نمود فرمان داد در پی آن مومنان را که زنان خود را ادب کنند پس خطاب به ایشان کرده فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا» کلمه «قوا» جمع امر حاضر از مصدر وقایه است، و «وقایه» به معنای حفظ کردن هر چیزی است از هر خطری که به آن صدمه بزنند، و برایش مضر باشد. مقاتل بن حیان می گوید: «منظور از نگهداری خود و اهل خود این است که مرد مسلمان خودش را و اهل خود را ادب کنند و ایشان را تعلیم خیر نموده و از کار بد باز دارد. و این واجب است بر هر مسلمانی که به خود و خانواده خود و غلامان و کنیزان خود نماید. که آنها را ادب نموده و تعلیمشان نماید» (طبرسی، بی تا، ج ۲۵، ص ۱۵۲ و ۱۵۳).

در حدیثی می خوانیم هنگامی که آیه فوق نازل شد، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا

عَلَيْكَ» (آن ها را به معروف ونهی از منکر کن ،اگر از تو پذیرا شوند ،آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده ای واگر نپذیرفتند وظیفه خود را انجام داده ای)(قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۳ ، ص ۳۳۵)

« مکارم شیرازی» درباره نقش امر به معروف و نهی از منکر در خانواده می نویسد: «این نکته نیز روشن است که امر به معروف یکی از ابزار کار برای دور داشتن خانواده از آتش دوزخ است و برای تکمیل این هدف باید از هر وسیله استفاده کرد و از تمام جنبه های عملی، روانی و قولی کمک گرفت حتی بعید نیست آیه شامل مسائل مربوط به وراثت نیز بشود. مثلاً به هنگام انعقاد نطفه غذای حلال خورده باشد و به یاد خدا باشد تا جنین در حال انعقاد نطفه از وراثت مثبتی برخوردار گردد چرا که دور نگه داشتن از آتش، همه آنها را شامل می شود» (مکارم شیرازی، ص ۱۶۹)

این آیه به دنبال آیاتی است که در آغاز سوره تحریم آمده و به همسران پیامبر (صلی الله علیه واله) هشدار می دهد که دقیقاً مراقب اعمال خویش باشند. سپس مطلب را به صورت یک حکم عام مطرح نموده و همه مؤمنان را مخاطب ساخته است و می فرمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) بدیهی است منظور از آتش در اینجا همان آتش دوزخ است و دور داشتن از آن جز از طریق تعلیم و تربیت خانواده که موجب ترک معاصی و اقبال بر طاعات و تقوا و پرهیزگاری گردد، نخواهد بود و به این ترتیب این آیه هم وظیفه سرپرست خانواده را نسبت به خانواده تحت سرپرستی خود روشن می سازد و هم تاثیر تعلیم و تربیت را در تقوا و فضائل اخلاقی، این برنامه ای است که باید از نخستین سنگ زیر بنای خانواده یعنی از مقدمات ازدواج، سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود.

نتیجه گیری:

از موضوعات محوری قرآن کریم، تاکید بر بزرگداشت و دست یابی به تکامل انسانی است که در این زمینه آموزه های تربیتی قرآن کریم می توان فرا راه آدمی باشد. پس بنابراین می توان با استفاده از الگوی قرآنی تربیت و بکارگیری روش های صحیح تربیتی اخلاقی فرزندان؛ به کمال طلبی که همانا انگیزه اصلی انسان است دست یافت. زیرا اساسا ماهیت انسان، رو به تکامل است، هرچند برای دست یابی به آن دچار برخی تنش ها و مشکلات نیز می شود که برای حل این مشکل با مراجعه به مبانی قرآن کریم در جهت دهی به تمامی استعدادها و ظرفیت های انسانی، مسائلی از قبیل، آموزش اصول و احکام دین، امر به معروف، نهی از منکر، تکریم و توجه به احساسات و عواطف انسانی، زمینه سازی رشد و شکوفایی استعداد فرزندان را؛ مورد بررسی قرار دادیم و بر اساس این پژوهش به این نکته رسیدیم که، در مکتب قرآن کریم آنچه اهمیت بنیادین دارد، کمال حقیقی است و کمال نهایی انسان آنگاه حاصل خواهد شد که تمام استعدادها و ظرفیت های انسانی او در بُعد توانش ها، به فعلیت تام برسد و رفتار ها، جنبه الهی پیدا کند و توجه نکردن به مبانی تربیتی قرآنی، آفت دست یابی به مقام «کمال حقیقی» است.

منابع

• قرآن کریم

۱. بهشتی، احمد، «اسلام و بازی کودک»، انتشارات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، تهران،

۱۳۶۶

۲. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، «تفسیر نور الثقلین»، مصحح: هاشم رسولی، انتشارات اسماعیلیان قم ۱۴۱۵ق

۳. سعدی، مصلح بن عبدالله، «بوستان سعدی»، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران،

۱۳۶۹

۴. شعاری نژاد، علی اکبر، «مبانی روانشناختی تربیت»، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

تهران، ۱۳۷۵ش

۵. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، انتشارات دارالمکتبه الحیاه، بیروت بی تا

۶. محمد بن محمد رضا، قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب.

۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش؛

۸. مهجور، سیامک رضا، «روانشناسی بازی»، انتشارات راهگشا، شیراز، ۱۳۶۶ش

۹. ورام، مسعود بن عیسی، «تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)»، انتشارات مکتبه الفقیه، قم

۱۳۶۳ش